

بنیان های قدرت نظامیان در ترکیه

علی محمد حقیقی^۱، پیروز هاشم پور^۲

^۱ استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد لامرد، لامرد، ایران

^۲ دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد لامرد، لامرد، ایران

چکیده

از مباحث مهم جامعه شناسی سیاسی نقش نظامیان بعنوان یکی از گروههای اجتماعی سازمان یافته در سیاست می باشد. در این میان ترکیه بعنوان وارث امپراتوری عثمانی با تجربه چندین کودتا در قرن بیستم از کشورهایی است که تاریخ آن همواره با حضور مستقیم و تاثیر غیرمستقیم نظامیان بر سیاست رقم خورده و به کشور کودتاها مشهور گردیده است. در این تحقیق با استفاده از روش توصیفی تحلیلی و شیوه تحقیق کتابخانه ای و اینترنتی بدنبال پاسخ به این سوال اصلی هستیم که نظامیان در سیاست ترکیه چگونه نقش آفرینی کرده اند؟ در پاسخ فرضی به سوال تحقیق و متاثر از نظریات ساموئل هانتینگتون و لوسین پای در باب مداخله ارتش در سیاست کشورهای در حال توسعه، علاوه بر محورهایی چون نقش تاریخی ارتش در ترکیه و تشکیل جمهوری، ضعف ساختارها و نهادهای دیگر بجز ارتش و متقابلا توانایی، سازماندهی و نقشی که ارتش پس از جمهوری در راستای نوسازی این کشور ایفا کرد را می توان نام برد. همچنین نظامیان در ترکیه جدید بعد از دهه ۱۹۲۰ میلادی متاثر از دیدگاههای رهبر نظامی خود آتاتورک مبنی بر نقش و جایگاه ارتش در سیاست طبق قانون اساسی کشور بعنوان مدافع نظام سیاسی لائیک و دفاع از میراث آتاتورک، و عواملی دیگر مانند استقلال سیاسی و حقوقی ارتش، بحران استقلال طلبی و جنگ مسلحانه اکراد علیه دولت و اقدامات اسلام گرایان و تلاشهای دولت جهت مقابله با آنان را می توان عنوان کرد. اما کودتای نافرجام پانزدهم ژوئیه که بیشتر به نمایش خیابانی و تسویه حساب شخصی دولت حزب عدالت و توسعه با مخالفانش شبیه بود علاوه بر ارتباط دادن آن با جنبش مذهبی گولونیسیم، حاصل انعکاس تحرک گروههای محروم و به حاشیه رانده در فضای دوقطبی ترکیه بوده است و یک روند خشنی از اداره کشور در دستان یک شخص را ترسیم می کند که منجر به کوبیدن میخی بر تابوت نظامی گری در ترکیه و همچنین روند دموکراسی خواهی مردم ترکیه شد.

واژه های کلیدی: ترکیه، نظامیان، کودتا، سیاست

۱- مقدمه

از جمله بحث‌های مهم در جامعه‌شناسی سیاسی، مداخله نظامیان بعنوان یکی از گروه‌های اجتماعی سازمان یافته در سیاست می‌باشد. مداخله نظامیان در سیاست پدیده‌ای است جهانی که در اکثر کشورها با درجات و اشکال متفاوت وجود دارد. در پایین‌ترین و گسترده‌ترین سطح نظامیان بعنوان گروه‌های ذینفوذ با گروه‌های فشار در نظام‌های مختلف تلاش می‌نمایند که برای رسیدن به اهداف نظامی و سازمانی خود سیاست‌گذاران را تحت تاثیر قرار دهند و در بالاترین سطح، نظامیان با قبضه مستقیم قدرت، نقش اصلی را در تصمیم‌سازی‌های سیاسی بازی می‌کنند. (Sullivan, 1991:63).

همچنین از نظر جامعه‌شناسی سیاسی بررسی رابطه ارتش از یکسو با جامعه، گروه‌ها و نیروهای اجتماعی و از سوی دیگر با دستگاه قدرت سیاسی حائز اهمیت است. بعبارت دیگر آنچه از نظر جامعه‌شناسی سیاسی مهم است نقشی است که ارتشها بعنوان واسطه میان طبقات و گروه‌های اجتماعی از یکسو و حکومت از سوی دیگر ایفا می‌کند. معمولاً ارتش بعنوان ابزار اجرای قدرت و خشونت دولتی قانوناً فاقد مسئولیت سیاسی است لیکن در عمل به دلایل مختلف ممکن است به انحاء گوناگون بطور مستقیم یا غیرمستقیم مسولیت اعمال قدرت سیاسی را بدست گیرد. (بشیریه، ۱۳۹۳:۲۶۲).

جمهوری ترکیه که در گذشته به آن آسیای صغیر می‌گفتند، یکی از کشورهای همسایه شمال شرقی ایران است که به لحاظ ملاحظات امنیتی و استراتژیکی اهمیت زیادی دارد. سرزمین ترکیه مانند مستطیلی است که از سه طرف بوسیله دریاهای مهمی احاطه شده و با مساحتی کمتر از نصف مساحت ایران، سی و پنجمین کشور جهان محسوب می‌شود. موقعیت جغرافیایی ترکیه به نحوی است که دریای سیاه را از طریق تنگه‌های بسفر و داردانل و دریای مرمره به دریای اژه و مدیترانه وصل می‌نماید. بعبارتی دیگر کشوری نیمه آسیایی و نیمه اروپایی می‌باشد. (امین صارمی، ۱۳۸۲:۷۸).

این ترکیه پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی همواره دستخوش فراز و نشیب‌های فراوان در صحنه داخلی شده است. ترکیه جدید حاصل ضعف مفرط امپراتوری عثمانی بود که با ظهور جنبش مشهور ترکان جوان و آموزه‌های مصطفی کمال پاشا، معروف به آتاتورک تشکیل شد. هدف اصلی آتاتورک حاکم کردن راهبرد و مشی لائسیسم و سکولاریسم بر ترکیه با بی محتوا کردن اسلام و منطبق نمودن آن با دولت مدرن ترکیه بود. مشخصه این دوران استفاده از روش‌های غیردموکراتیک و اقتدارگرایی سیاسی- نظامی بود. (واعظی، ۱۳۸۷:۴۴). در باب نقش نظامیان در سیاست و ارکان حکومتی ترکیه باید ابتدا اشاره داشت که فرهنگ سیاسی در ترکیه مانند سایر کشورهای جهان بوده اند، مبتنی بر نوعی برتری طلبی است. (محمدی، ۱۳۸۶:۱۹۹). هنوز هم ترک‌ها نوستالژی شکست امپراتوری عثمانی را در دروازه‌های وین در سال ۱۶۸۳ در حافظه تاریخی خود زنده نگاه داشته اند. (عابدی گناباد، ۱۳۸۹:۱۷۸). یکی از نویسندگان ترکیه در تایید دیدگاه بالا می‌گوید: ((وقتی در کتاب‌های رسمی تاریخ مدارس به جایی می‌رسیدیم که نوشته شده بود: عثمانی‌ها تا دروازه‌های وین را فتح کردند، اما نتوانستند از آن پیش بروند، همه ما به همراه معلمان تاریخ در اندوه فرو می‌رفتیم. اگرچه توقف پشت دروازه‌های وین ما را اندوهگین میکرد، در همان حال هیچ حسی به ناتوانی عثمانی‌ها در شکست دادن ایران یا زیر سلطه نگه داشتن بخشهایی از روسیه نداشتیم. (ozcan, 2001, 5). در یک عبارت دیگر می‌توان اضافه کرد ارتش در ترکیه نماینده علایق و منافع طبقات جدید و مدرنیست بوده است و همیشه با بروز خطر برای میراث آتاتورک و در جهت دفاع از آن و ناسیونالیسم ترک مداخله کرده است. (Finer, 7:1962). کودتاهای چهارگانه از دهه ۱۹۶۰ به این طرف خود شاهدهی بر روند ارتش سالاری و نقش برجسته نظامیان در سیاست ترکیه بوده است. نظامیان بر اساس قانون اساسی و متاثر از آموزه‌های آتاتورک، هر وقت که دولتی از رویه دموکراتیک خارج شود با کودتای نظامی آنرا ساقط نموده و با انتخابات آزاد، به ایجاد دولتی جدید اقدام می‌کنند. اما در ۱۵ ژوئیه ۲۰۱۶ حوادث و اتفاقاتی در ترکیه روی داد که گرچه زمان بیشتری برای داوری و قضاوت در باب کودتا بودن آن لازم است، اما اتفاقات پیش و پس از آن از جمله تسویه حساب شخصی دولت با هزاران نفر از اقشار مختلف، به این فرضیه قطعیت می‌بخشد که یک شوی خیابانی از طرف دولت انجام شده تا مخالفان خودکده از قبل شناسایی شده اند را بطور

کامل و قانونی از رده خارج نماید. ولی در واقع برخورد خشن با طیف بی‌شمار دانشمندان و روشنفکران و دانشگاهیان به افول فرایند دموکراسی خواهی مردم ترکیه دامن می‌زند. روش بکار گرفته شده در این پژوهش روش توصیفی - تحلیلی و جمع‌آوری اطلاعات و مواد خام به شیوه تحقیق کتابخانه‌ای می‌باشد. چارچوب نظری تحقیق با استفاده از نظریات اندیشمندی همچون ساموئل هانتینگتون و لوسین پای به بررسی و اهداف نظامیان در سیاست کشورهای در حال توسعه پرداخته ایم.

۲- ادبیات تحقیق

گرچه در باب نقش نظامیان در سیاست کتاب‌ها و مقالاتی تالیف شده‌اند از جمله کتابی تحت عنوان ((ارتش و سیاست)) نوشته علیرضا ازغندی، یا کتاب ((سرباز و حکومت)) از متفکر آمریکایی ساموئل هانتینگتون، همچنین مقاله‌ای تحت عنوان ((مداخله نظامیان در سیاست خاورمیانه)) از سعیده لطفیان، مقاله ((مداخله نظامیان در سیاست)) نوشته حسین هرسیج، اخیراً و متأثر از حوادث ترکیه در سال ۲۰۱۶، مقالاتی با این عناوین تالیف شده‌اند: مقاله ((حکم رانی حزب عدالت و توسعه و آینده شکافهای اجتماعی در ترکیه)) نوشته علی اشرف نظری و برهان سلیمی که متأثر از حوادث کودتای نافرجام ۲۰۱۶، آینده حزب عدالت و توسعه را بدلیل تاثیر این حوادث بر شکافهای جامعه ترکیه مبهم و قابل تامل دانسته است. مقاله ((انحراف از نوع‌ثمنی‌گری و کودتا در ترکیه)) تالیف سیامک بهرامی که نویسنده در این پژوهش کودتای نافرجام را ناشی از انحراف در مفهوم نوع‌ثمنی‌گری و تیپ ایده آل آن بوده است. و این سیاستهای اردوغان به ضرر جامعه مدنی در ترکیه بوده و در آینده قدرت را واگذار خواهد کرد. اما هدف و رویه این نگارنده بررسی نقش نظامیان در سیاست ترکیه بطور کلی و تاکید بر اتفاقات و حوادث متأثر از ۱۵ ژوئیه در ترکیه بعنوان کشور همسایه ایران با سالها ارتباطات تمدنی و فرهنگی بوده است جنبه نو و بدیع بودن این پژوهش در این است که گرچه در باب نظامیان در ترکیه تحقیقات مختلفی انجام شده اما بعد از حوادث ۱۵ ژوئیه و اتفاقات منجر به آن حوادث و به چالش کشیده شدن بنیان دموکراسی در دولت رجب طیب اردوغان و صحت و سقم کودتا، که تحقیق زیادی صورت نگرفته است، تصمیم بر این گرفته شد در این باب پژوهشی انجام دهم. و گرچه هنوز قضاوت در باب اتفاقات پیش و پس از این واقعه که قطعاً نقشی تعیین کننده در آینده ترکیه و حکومت داری در آن کشور خواهد داشت، زود است و مطالعات بیشتری در این مورد شاهد خواهیم بود، اما این تحقیق شروعی جدید است برای تحلیل نقش نظامیان در سیاست ترکیه تا سال ۲۰۱۶ و آینده پیش روی حزب عدالت و توسعه به رهبری رجب طیب اردوغان.

۳- چارچوب نظری تحقیق

گرچه برداشتهای مختلفی درباره علت مداخله نظامیان در سیاست وجود دارد و نظریه پردازان گوناگونی در این باب اظهارنظر نموده‌اند اما در چهارچوب نظری تحقیق در باب دخالتها و نقش نظامیان در سیاست کشورها به بررسی دیدگاهها و نظرات متفکرانی چون ساموئل هانتینگتون و لوسین پای می‌پردازیم و بر این اساس وضعیت سیاسی-امنیتی یک کشور را مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهیم. در حالیکه پروفسور جنووتیز بیشتر تاکید بر عوامل داخلی نظامی مانند توانایی‌ها، انگیزه‌ها و منافع نظامیان در توضیح مداخله آنها در سیاست حکایت دارد. (Janowitz, 1977). اما ساموئل هانتینگتون، متفکر آمریکایی در این باب به ارائه دیدگاههای مختلفی پرداخته است. او در سال ۱۹۶۸ نظریات خود را در رابطه با ارتش و سیاست در کتاب ((سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی)) بیان نمود. او در فصل چهارم کتاب خود بیان می‌دارد که دخالت نظامیان در سیاست یکی از جنبه‌های شگفت‌انگیز و عمومی‌نوسازی سیاسی بشمار می‌رود. او بر عامل سیاسی بویژه بر ساختار سیاسی و نهادی جامعه توجه می‌نماید. بنظر وی عنصر اصلی در تبیین مداخله نظامیان در سیاست همانا سطح نهادینه‌سازی فرایندسیاسی می‌باشد. (Huntington, 1968). از دید او دخالت‌های نظامیان در سیاست تنها یکی از جلوه‌های گسترده‌تر در جوامع توسعه نیافته به شمار می‌آید که عبارت است از سیاست زدگی^۱ همه نیروهای اجتماعی. در چنین جوامع، نه تنها نظامیان بلکه هیچ یک از گروههای اجتماعی سرجای خودشان قرار نگرفته‌اند و همه آنها گرایش به دخالت در

¹ Politicization

امور سیاسی دارند. (هانتینگتون، ۱۳۷۰: ۲۸۴). سیاست زدگی همه نیروها و نهادهای اجتماعی یکی از ویژگی های جوامع توسعه نیافته است. او جامعه سیاست زده را جامعه پراتوری^۲ می نامد. در جوامع مدرن نهادهای سیاسی (احزاب و ...) به توزیع قدرت و مشارکت سیاسی مدد می رسانند. اما در جوامع توسعه نیافته، بعلت فقدان نهادهای سیاسی، نیروهای اجتماعی مستقیماً با یکدیگر درگیر می شوند و کمتر کوششی در جهت حل مسائل عمومی به خرج نمی دهند. در جامعه پراتوری، دخالت نظامیان در سیاست، انحراف منحصر به فرد از الگوی معمولاً مسالمت آمیز سیاسی نیست. میزان سیاست زدگی نهادها و افراد نظامی، به ضعف سازمانهای سیاسی و ناتوانی رهبران سیاسی غیرنظامی در مقابله با مسائل سیاسی عمده کشور بستگی دارد. (گنجی، ۱۳۸۴: ۲۷۳).

هانتینگتون معتقد است نظامیان (ارتش) یا درارتباط با طبقه اجتماعی مشخص وارد عمل می شود و یا اینکه با بدست گرفتن قدرت برای جلوگیری از رشد بیشتر تنش ها، نقش حاکمه و داور را بر عهده می گیرد. به این ترتیب او برای نظامیان کشورهای جهان سوم، نقش مهمی را در فرایند توسعه سیاسی اجتماعی قائل است و معتقد است هرچه عقب ماندگی جامعه بیشتر باشد، نقش نظامیان مترقی تر است و هرچه جامعه پیشرفته تر باشد، نقش نظامیان محافظه کارتر و ارتجاعی تر می شود. (بروف، ۱۳۷۶: ۱۹۹).

عوامل دخالت نظامیان در سیاست از دید هانتینگتون بصورت تیتروار عبارتند از:

۱. ضعف جامعه مدنی

۲. اوضاع نابسامان اقتصادی

۳. ضعف جنبه های سازمانی و تشکیلاتی

۴. فقدان یا ضعف نهادهای سیاسی کارآمد

۵. شدت برخوردهای اجتماعی و طبقاتی

۶. حرفه ای شدن نظامیان. اشاره به این نکته حائز اهمیت است که مهم ترین نقطه ضعف نظریه هانتینگتون عمومی بودن آن است. برخلاف دیدگاه او، نمونه های تاریخی بسیاری از جمله در مورد عملکرد نظامیان ژاپنی، ایتالیایی و آلمانی وجود دارد که به رغم برخورداری ارتش از تخصص های بسیار بالا و بمعنی واقعی حرفه ای در سیاست دخالت می کرده اند.

از نظر ساموئل هانتینگتون در کتاب ((سرباز و حکومت))، یکی از شرایطی که انگیزه نظامیان به دخالت در سیاست کمک می کند، هنگامی است که سیاستمداران جامعه به بن بست رسیده، نظام، مشروعیت خود را از دست داده و جامعه دچار بحران و بعضاً هرج و مرج بسیار می باشد. عدم مشروعیت نظام سیاسی موجب عدم مشارکت مردم در امور سیاسی و حضور آنها در صحنه های سیاسی و اجتماعی خواهد شد. به عبارت دیگر، دخالت نظامیان در سیاست، زمانی ضرورت می یابد که میان مردم و حکومت مداران، پیوند قانونی و سازنده وجود نداشته باشد و مردم سرخورده نسبت به مسائل سیاسی جامعه خود بی تفاوت شوند. در برخی از نظام هایی که مشروعیت قانونی ندارند، سیاستمداران برای حفظ منافع خود، نظامیان را به دخالت در سیاست فرا می خوانند. علاوه بر این، احتمال مداخله نظامیان در سیاست، در صورتی که میان خواسته ها و اهداف سیاسی حکومت مداران با پایبندی آرمانی نظامیان اختلاف و تفاوت زیادی باشد، افزایش می یابد. (سمیعی اصفهانی، خداپرست، ۱۳۸۹: ۷۰). در کشورهای پیشا توسعه به این دلیل که نقش سایر طبقات اجتماعی چندان قوت نگرفته

² Praetorianism

است، ارتش با دارا بودن قوه قهریه و استقلال نسبی از قشرها و طبقات جامعه و دولت، انحصار منابع قدرت را در دست می گیرد و بصورت متعدد فضای سیاست را با حضور خود میلیتاریسم و الیگارشیک (از نوع نظامی) می کند. کشورهای که بصورت ایجابی سعی در گذار از سنت به تجدد دارند برای ایجاد همبستگی به دو مورد نیاز دارند، یکی بوروکراسی پیشرفته و دیگری ارتش بمثابه یک سازمان مدرن، که به تجدد آمرانه در فضای آکادمیک مصطلح گردیده است. در همین راستا ساموئل هانتینگتون در کتاب سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی، مفصلا توضیح می دهد که در مراحل نوسازی سیاسی، افسران نظامی در پیشرفت و نوسازی کشور نقش مهمی دارند. آنها با منتقدان کشور مبارزه می کنند. اصلاحات اجتماعی اقتصادی انجام می دهند. یکپارچگی را دنبال می کنند ولی به نوعی تشتت می آفرینند. اما آنچه مهم تلقی می شود این است که نظامیان و میلیتاریست ها همیشه با نهادهای جامعه مدنی در تقابل بوده اند. (ترکیه و نقش ارتش در سیاست، ۱۳۹۵). اما در کودتاهای ترکیه در چند مورد، ارتش با مداخله در سیاست و براندازی حکومت مستقر، بعد از آن رو به انتخاباتی آزاد آورده و قدرت را در اختیار یک حکومت مردمی و تابع اصول دموکراتیک قرار داده است که خلاف این تحلیل است.

لوسین پای دیگر متفکر سیاسی در اثر خود تحت عنوان ((نظامیان در فرآیند مدرن سازی سیاسی)) که در سال ۱۹۶۲ منتشر کرد، در آن از دیکتاتوری توسعه بعنوان تنها راه حل مشکلات جهان سوم به دفاع برخاست. از نظر پای، نقش سیاسی ارتش در ممالک در حال توسعه را باید با توجه به دو مسئله مورد توجه قرار داد. اول، توجه به پیامدهای سیاسی حضور ارتش بعنوان موسسه ای جدید که تا حدودی بطور تصنعی در داخل جامعه سازمان نیافته و در حال انتقال وارد شده است. و دوم اینکه با توجه به نقشی که ارتش می تواند در شکل دادن به تلقیات مردم نسبت به نوگرایی در سایر حوزه های اجتماعی داشته باشد. (باتامور، ۱۳۶۹: ۱۱۷). اما دلایل حمایت لوسین پای از نقشی سازنده که برای ارتش و نظامیان در کشورهای در حال توسعه قائل است، چه می باشد؟ ۱. سازمان یافته ترین نهاد هستند. ۲. بانظم ترین نیروی اجتماعی هستند. ۳. دارای مجهزترین سازمان درون جامعه و با بیشترین پشتوانه مالی هستند. ۴. نسبت به دیگر گروههای اجتماعی جامعه مهم ترین حاملان انتقال فرهنگ غرب هستند. ۵. ارتش با اعتبارترین نهاد و نردبان ترقی اقشار مختلف است. ۶. نظامیان قدرتمندترین و جدی ترین گروه نخبه در جوامع سنتی هستند که قادر به اداره سیاسی جامعه و توسعه اقتصادی هستند. (از غندی، ۱۳۷۴: ۸۰).

لوسین پای نظرات آن گروه از دانشمندان علوم اجتماعی که قابل انتقال بودن نظام حکومتی لیبرال دموکراتیک غربی به جوامع در حال رشد را اعتقاد داشتند، پنداری بیش نمی دانست و از دیکتاتوری توسعه بعنوان تنها راه حل معضلات و مسائل جهان سوم دفاع می کرد. او همچنین فعالیت نظامیان در بوجود آوردن سازمانهای نظامی و شبه نظامی و کوشش در تحکیم این سازمان ها را موفق ترین و موثرترین نهاد در پایان بخشیدن به عقب ماندگی جامعه ارزیابی می کند. او ارتش را بعنوان کارآمدترین سازمان دولتی مدرن معرفی می کند و مقتدرترین سازمان حکومتی در یک جامعه انتقالی می داند. از نظر او می توان سازمان ارتش را در کشورهای در حال رشد ایجاد کرد و گسترش داد زیرا زمینه های پیدایش اولیه چنین سازمانی در دوران سلطه استعمار و حاکمیت خارجی در این کشورها بوجود آمده و چه بسا در بسیاری از این کشورها سازمانهای نظامی یا شبه نظامی مختلف ظاهرا ملی با وظایف و عملکرد گوناگون تاسیس شد. او معتقد است که قبول این واقعیت از طرف نظامیان که ارتش در کشورهای در حال رشد مدرن ترین سازمان دولت است، باعث خواهد شد که آنها مطمئن تر و جدی تر از سایر اقشار جامعه با سیاستمداران کشورهای صنعتی وارد مذاکره و معامله شوند. (از غندی، ۱۳۷۴: ۷۸).

۴- تاریخچه میلیتاریسم یا نظامی گری

نظامی گری یا میلیتاریسم^۳، به دو معنا بکار برده می شود: یکی، نفوذ فرهنگ ارتشی در جامعه و دوم، دخالت ارتش در سیاست. منظور از میلیتاریسم در معنای اول یعنی نفوذ ارتش و یا شیوه زندگی و فرهنگ ارتشی در زندگی سیاسی و اجتماعی.

³ Militarism

نخستین اشکال ارتش در جوامع کشاورزی اولیه پیدا شد که با جوامع پیرامون خود درگیر منازعه می شدند. همه امپراتوری های عصر باستان دارای سازمان های نظامی مشخص بودند و در آن ادوار ارتش ها وابسته به اشرافیت زمیندار بودند. در قرون وسطی در اروپا دولت های کوچک محلی، ارتش های کوچک و پراکنده بوجود آوردند و در آن قرون شهروندان بجای مواجب نقدی به سربازان خود زمین می بخشیدند. اشرافیت زمیندار در اروپا هم ریشه نظامی داشت. و همین رویه خود پایه تشکیل طبقه فئودال گردید. بارزترین ارتش مدرن، ارتش سلطنتی پروس بود که در طی قرن ۱۸ بوسیله فردریک دوم بر اساس مبانی کاملاً جدید ایجاد شد. در پروس ارتش بعنوان مدرسه تمام ملت توصیف می شد. این پیشینه میلیتاریسم و گرایش نظامی به دولت آلمان بر می گردد. بیسمارک از رهبران آلمان معتقد بود که تاریخ از طریق خون و شمشیر حرکت می کند. اندیشه بیسمارک تلفیقی بود از میلیتاریسم، ناسیونالیسم و محافظه کاری.

در آخرین امپراتوری اسلامی، عثمانی ها بخش عمده ای از قدرت سیاسی یعنی ینی چری ها یا جان نثارها بود که هسته اصلی ارتش آن امپراتوری را تشکیل می دادند. (ازغندی، ۱۳۷۴: ۲۶۲). در دوران عثمانی تمام کسانی که مسئول حفظ و توسعه امپراتوری و برقراری نظم و امنیت بودند و همچنین آنانی که بهره برداری کامل از منابع ثروت را برای امپراتوری تضمین می کردند و از سازمان های حکومتی و سایر فعالیت های نظام حمایت می کردند همه تحت عنوان سیفیه یا مردان شمشیر در نهادهای نظامی طبقه حاکم گرد آمده بودند. (شوا، ۱۳۷۰: ۲۱۸).

فلاسفه و نویسندگان بزرگی چون توماس کارلایل و فریدریش نیچه روح زندگی نظامی و زندگی سربازی را با ویژگی بی روح و زن صفتانه تمدن بورژوازی معاصر مقایسه کرده و از فضایل زندگی نظامی سخن گفته اند. در حقیقت ویژگی هایی چون نظم و انضباط و اطاعت و سلسله مراتب از آرمانهای محافظه کاری بشمار می آیند. (بشیریه، ۱۳۹۳: ۲۶۹). در باب انگیزه های دخالت ارتش در سیاست عوامل گوناگونی می توان برشمرد که ممکن است دفاع از منافع طبقاتی، منطقه ای، مذهبی یا شخصی باشد. دخالت نظامی در سیاست در سطوح مختلفی صورت می گیرد که چهار سطح را می توان در نظر گرفت:

۱. نفوذ ارتش در دستگاه حکومت بدون آنکه قدرت از دست غیرنظامیان خارج شود. در اینجا ارتش بعنوان یک گروه ذینفوذ مطرح می شود.

۲. اعمال تهدید و فشار از جانب ارتش بر حکومت بویژه تهدید به کودتا بمنظور تامین خواستها و منافع ارتش توسط حکومت.

۳. دخالت مستقیم در سیاست و تغییر حکومت از طریق اعمال خشونت و نصب حکومت غیرنظامی دیگری بجای حکومت برکنار شده.

۴. تصرف مناصب حکومتی بوسیله مقامات ارتشی یا برقراری حکومت نظامیان. (بشیریه، ۱۳۹۳: ۲۷۲). علاوه بر این عواملی که تعیین کننده سطح میلیتاریسم در یک کشور هستند شامل عوامل داخلی و خارجی می باشند. عوامل داخلی خود شامل: ساختار طبقاتی غیرمنصفانه، ساختار نژادی قومی غیرمنصفانه، صنایع نظامی نهادینه شده، خودبزرگ بینی ارتش، اهمیت بیش از حد امنیت ملی و تعصب های فرهنگی هستند. اما عوامل خارجی عبارتند از: ساختار امپریالیستی، بازار اسلحه بین المللی، تلاشهای ایدئولوژیک بین کشوری و سیاستهای پیمان ها. (لطفیان، ۱۳۹۰).

۵- علل دخالت نظامیان در سیاست

در اشاره مختصر به تاریخچه کودتا، به گزارش دانشنامه بریتانیکا و با اجازه اساتید تاریخ، بدون اشاره به کودتاهای روسی-انگلیسی یا انگلیسی-آمریکایی سه گانه در ایران قاجار تا ۱۳۳۲، این مرجع تاریخی کودتا را به براندازی راهبران (Directory) در ۹ نوامبر ۱۷۹۹ در فضای زیستمانی پس از انقلاب فرانسه، ارجاع می دهد که به ۱۸ برومر مشهور

است. در این کودتا، لوئی ناپلئون مجلس دوم جمهوری فرانسه را ۱۸۵۱ منحل کرد. (سیف زاده، ۱۳۹۵: ۳۴). واژه کودتا از نظر لغوی بمعنی ضربه ناگهانی به دولت و از نظر اصطلاحی بمعنای اقدام قهرآمیز گروهی اقلیت، مسلح و مجهز (غالباً مقامات دولتی و ارتشی) با پشتیبانی نیروی نظامی در براندازی و تغییر ناگهانی هیأت حاکمه بمنظور جایگزینی و کسب قدرت است. کودتاها از دید ساموئل هانتینگتون در دو صورت موفق خواهد بود: یا فعالان سیاسی در جامعه باید کم شمار باشند، یا کودتا باید به تایید بخش قابل توجهی از فعالان سیاسی برسد. (دهشیری، ۱۳۹۵: ۴۱).

نظامیان بعنوان یک گروه دینفوذ قدرتمند نقشی مهم را در عرصه سیاست با هدف تاثیرگذاری بر نخبگان حاکم و یا دستیابی برای رسیدن به مقاصد خود ایفا می کنند. از جمله مشکلات رهبران سیاسی در کشورهای مختلف جهان نحوه تنظیم رابطه خود با نظامیان می باشد که شایسته است بر اساس سازوکارهای قانونی خود وظایف و مسولیت‌های هرکدام از آنها مشخص گردد. (هرسیج، ۱۳۸۰: ۱۴۱). برای تعیین نوع مداخله نظامیان در سیاست به دو پرسش بایستی پاسخ داده شود: ۱. آیا نظامیان بطور مستقیم در سیاست مشارکت نابجا داشته اند؟ ۲. آیا نیروهای نظامی دارای حق وتو بوده و عامل اصلی در ایجاد یا برکناری دولت‌ها بوده اند؟ مداخله مستقیم زمانی است که شخص متصدی قوه مجریه عضو تشکیلات نظامی باشد. مانند ژنرال آیزنهاور و ژنرال دوگل که به ترتیب روسای جمهور آمریکا و فرانسه پس از جنگ جهانی دوم شدند. نوعی دیگر از مداخله بنام مداخله شرکتی^۴ نیز رواج داشته است. در این نوع شخص اول قوه مجریه بعنوان وزیر دفاع نیز انجام وظیفه می کند. مداخله فردی نیز در مواردی است که شخص متصدی قوه مجریه بعنوان رئیس دولت نظارت بر کارهای کابینه وزرا و امور روزانه دولتی را به عهده دارد و بر نیروهای مسلح نیز نظارت دارد. مداخله نظامیان در کابینه یا شورای اجرایی نیز به این صورت است که منافع نظامیان با عضویت برخی از آنها در کابینه حفظ می شود و شخص اول مملکت ممکن است غیر نظامی باشد مانند ترکیه در دهه ۱۹۸۰. (Ozcam, 2001).

فرضیات گوناگونی همچنین در مورد مداخلات سیاسی نظامیان مورد آزمون قرار گرفته اند. مهم ترین آنها عبارتند از:

۱. هرچه سطح نوسازی، تجدد و بسیج اجتماعی بالاتر باشد، سطح دخالت نظامی کمتر می شود. در چنین جامعه ای محدود به حداکثر کودتای وتو می شود که در آنها نظامیان تنها برای مدتی کافی است تا یک گروه غیرنظامی را جایگزین گروه دیگری کند، در سیاست دخالت می کند. قدرت نظامی به آن روشی که با نسبت مشارکت نظامی اندازه گیری می شود می تواند بی اثر یا دارای تأثیر بسیار کم بر احتمال دخالت سیاسی نظامیان باشد. هوروتیز به این واقعیت نزدیک شده و بیان می کند که توسعه، در مراحل اولیه اش (Hurewitz, 1969). نظریه پردازان دیگری پیش بینی کرده اند که مدرنیته و تجدد در ابتدا باعث شده اند که میزان دخالت نظامیان در سیاست افزایش یابد. (Albright, 1967).

۲. هرچه هزینه های دولت به نسبت کل درآمد ملی کمتر باشد، احتمال دخالت نظامیان بیشتر می شود.

۳. هرچه درصد نیروی کار در خدمت ارتش بیشتر باشد، سطح دخالت نظامیان در سیاست بیشتر می شود. اندرسکی که واژه ((نسبت مشارکت نظامی)) را ابداع کرد، با دلیل استدلال می کند که هر چه شمار سربازان نسبت به غیرنظامیان بیشتر باشد، احتمال تشکیل رژیم های نظامی بیشتر است. (Andreski, 1968).

جامعه شناس سیاسی انگلیسی اس.ای. فاینر، دخالت نظامیان در سیاست را با توجه به نوع فرهنگ سیاسی حاکم بر آن جامعه در چند سطح مورد بررسی قرار می دهد. سطح اول، اعمال نفوذ بر سیاستگذاران کشور برای تخصیص بودجه نظامی بیشتر و مشارکت در تصمیمات نظامی می باشد که در جوامع واجد فرهنگ سیاسی بالغ نمود پیدا می کند. سطح دوم، تهدید یا ترساندن مقامات کشوری به عدم دفاع از آنها در مقابل دشمنان آنها یا اقدام علیه آنها در صورت عدم توجه به درخواستهای آنها

⁴ Corporate Involvement

می باشد که در جوامع دارای فرهنگ تکامل یافته شکل می گیرد که دارای افکار عمومی سازمان یافته و مقاوم در مقابل تهدیدات نظامیان می باشد. سطح سوم، برکناری رهبران سیاسی حاکم و جابجایی آنها با سیاستمدارانی که در جهت منافع نظامیان تلاش می کنند. (Finer, 1962: 86-7). نکته دیگر که باید مورد توجه قرار داد نقش برجسته ارتشها در مبارزات ضد استعماری، کاهش بودجه آنها، مزایا و تسهیلات ارتقاء و ترفیع اقدام به دخالت می کنند. و در نهایت جاه طلبی هیا شخصی می تواند انگیزه مهمی برای مداخله نظامیان در سیاست تلقی گردد.

فاینر همچنین پنج انگیزه برای اقدام به کودتا توسط نظامیان بر می شمارد که حوز اهمیت است: نخست، انگیزه های ملی، که در آن نظامیان با تلقی خود بعنوان ناجی ملت، حکم و داور، در سیاست دخالت می کنند تا بتوانند مصالح ملت را تضمین نمایند. دوم، انگیزه های طبقاتی، که در آن نظامیان برای حمایت از منافع طبقه پایین و متوسط فقیر که مورد بی لطفی طبقات اجتماعی بالاتر قرار گرفته اند، دست به کودتا می زنند. سوم، وابستگی های قومیف که در کودتاهای آفریقا قابل مشاهده است. چهارم، منافع نهادی و سازمانی که در آن نظامیان برای حفظ استقلال حرفه ای و تخصصی خود و جلوگیری از کاهش استاندارد زندگی اقدام به کودتا می کنند. (هرسیچ، ۱۳۸۰: ۱۴۹). نتیجه کلی از این بحث این است که مداخله نظامیان در سطوح پایین سیاست، بعنوان یک نهاد تاثیرگذار بر سیاستمداران در جهت حفظ منافع سازمانی خود پدیده ای طبیعی و جهانی می باشد، ولی دخالت آنها در سطح بالای سیاست، کودتای نظامی، علامت مریضی یک نظام سیاسی محسوب می شود و راه حل‌های سطحی و مقطعی ارائه شده از سوی رژیم های نظامی تنها می تواند بعنوان مسکن برای حل مشکلات این جوامع تلقی گردد و نه درمان واقعی و نهایی آنها.

در یک مقایسه بین کشورهایی مانند پاکستان، ترکیه و سوریه در منطقه شاهد این هستیم که همه این جوامع از نوع کوتاه مدت هستند و کودتاهای معمولاً در جوامعی اتفاق می افتند که نهادهای مدنی ضعیف هستند، اما در ترکیه بر خلاف دیگر کشورها نهادهای مدنی بالقوه قدرتمندتری وجود دارد و احزاب و قانون اساسی سکولار ریشه دارتر بوده اند و مثل پاکستان به راحتی نظامیان نمی توانند با کودتا در قدرت بمانند. موضوعی که اشاره به آن لازم است اینکه در کشورهایی مثل ایران، افغانستان و ترکیه اساساً فرایند مدرنیزاسیون نیز با فعالیت‌های نظامی آغاز شد و این گروه‌های عمده، گروه‌های نوساز در جامعه بودند. و فرایند اصلاحات و مدرنیته شدن با نظامیان آغاز شد. در ترکیه نیز هنوز علی رغم کمک از اتحادیه اروپا و بهره گرفتن از معیارهای کپنهاگ، نتوانستند ارتش را مثل غرب تابع نیروهای مدنی کنند. ولی این روند در غرب طی شده است. بطور مثال در زمان جورج بوش پدر، در امریکا زمانی که شوراتسکوف به بوش گفت: ((دیگر چیزی به پایان نمانده است، به من اجازه دهید که او را سرتگون کنم)) بوش وی را در حالی که تلاش داشت به بغداد نزدیک شود از سمت خود برکنار کرد. در واقع ما شاهد تبعیت نظامیان از سیاسیون در اروپا و آمریکا هستیم و این روند طی شده است. (اطهری، ۱۳۹۵: ۵۸). همین دخالت ارتش در سیاست عمومی، از عوامل مهم منفی است که باعث عدم پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا تا کنون گشته است. بعد از اجلاس هلسینکی که در دسامبر ۱۹۹۹ برگزار شد و طی آن ترکیه شرایط نامزدی برای عضویت در اتحادیه را بدست آورد، از این کشور خواسته شد پیش نیازهای ورود به اتحادیه را که بوسیله شورای اروپایی کپنهاگ در ژوئن ۱۹۹۳ ترسیم شده بو به اجرا برساند. (یومیت، شاه کرمی، ۱۳۸۴: ۲۴۵). در واقع نظامیان و قدرت آنها در شورای امنیت ملی ترکیه همواره یکی از موانع عضویت ترکیه در اتحادیه بوده است. (بصیری، موسوی، ۱۳۸۹: ۵۹). اگرچه نظامیان در ظاهر و برای نشان دادن وفاداری خود به اصول آتاتورک مبنی بر غربی شدن، از پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا حمایت می کنند، اما بسیاری از آنها تحقق چنین امری را نقطه شروع افت موقعیت نظامیان و ایدئولوژی کمالیسم می دانند. (ابکینزی، ۱۳۸۲: ۷۸).

در مجموع با گسترش احزاب نیرومند، توسعه نهادهای جامعه مدنی، گسترش مشارکت عامه، رشد افکار عمومی، تقویت سنت پارلمانتاریسم و غیره به تدریج خلایلی که ارتشها از آن برای مداخله خود در زندگی سیاسی کشورهای در حال توسعه استفاده

می کرده اند، پر می شود و در نتیجه با سازمان یابی و آگاهی نیروها و گروههای اجتماعی، دیگر ارتش نمی تواند بنام علایق و منافع آنها عرصه زندگی سیاسی را اشغال کند.

۶- نقش نظامیان در سیاست ترکیه

بالاترین سطح دخالت نظامیان در سیاست و تغییر رژیم، روش غیرمعارف و غیردموکراتیک کودتا است. کودتا در لغت بمعنای برافکندن دولت است. و در اصطلاح قیامی از طرف گروهی از درون قدرت حاکمه علیه گروه حاکم و برکناری قهرآمیز حاکم و هیأت حاکمه است و اینکه به رهبری یکی از افراد سیاستمدار درون حاکمیت صورت پذیرد و یا توسط یکی از سران ارتش، در هر دو شکل پشتیبانی ارتش را برای سرنگونی دولت و قدرت حاکم به همراه خواهد داشت. (سمیعی اصفهانی، خدایپرست، ۱۳۸۹: ۵۹). آمار پژوهش محققان نشان می دهد که از سال ۱۹۵۰ تا سال ۲۰۱۰ میلادی در جهان ۴۵۷ کودتا رخ داده است که از این میان ۲۲۷ مورد آنها (۴۹/۷٪) موفق و ۲۳۰ مورد (۵۰/۳٪) آنها ناموفق بوده است. و عموم کودتاها به ترتیب در آفریقا (۳۶/۵٪) و آمریکای شمالی و لاتین (۳۱/۹٪) رخ داده است. آسیا و خاورمیانه به ترتیب ۱۳/۱٪ و ۱۵/۸٪ کودتا را تجربه کرده اند. در این ارزیابی اروپا با ۲/۶٪ درصد کمترین تجربه کودتا داشته است. اکثر تلاش برای کودتا در میانه دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰ میلادی نیز زیاد بوده است. (آزموده، ۱۳۹۵: ۸).

از سال ۱۹۲۳ که ترکیه در مخروبه های امپراتوری عثمانی پا به صحنه نهاد در چارچوبی که کمال آتاتورک خواهان متجلی ساختن آن بود بتدریج تمام سمبل ها، نمادها و ساختارهایی که ضروری بود را در برابر یافت. عناصر حیات بخش دولت در تمامی ابعاد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و نظامی آن بگونه ای که با نیازها و الزامات زمانه تطابق داشته باشد مستقر شدند و جامعه در مسیری قرار گرفت که کارآمدی، هرچند تدریجی اما گریزناپذیری جلوه گر شد. زمانی که آتاتورک در سن ۵۷ سالگی در سال ۱۹۳۸ بعلت بیماری درگذشت، با وجود کاستی هایی در سطح کلان فضیلتی تحسین برانگیز و ماندگار رقم زد. ایده ها و ارزش های او در راستای محاسبات فردی و منفعتی نبودند و تنها به این جهت پیاده شدند که آینده ای متفاوت را ترسیم کنند و در طول تاریخ خودخواهی های جاه طلبانه سیاستمداران بعنوان انحراف از اصول آتاتورکی قلمداد شوند. (دهشیار، ۱۳۹۵: ۴۲). همچنین نظامیان ترکیه همواره خود را وارثان اصلی اندیشه های مصطفی کمال آتاتورک می دانند و آنها هستند که منافع میل را تعریف و تبیین می کنند و خود را تنها مفسر اندیشه های او می دانند. بعلاوه نظامیان در ساختار سیاسی ترکیه به همراه حزب جمهوری خواه خلق و نهادهایی چون شورای عالی امنیت ملی، خود را نماینده بخش سیاست علیا می دانند و همیشه این بخش از سیاست در دست نظامیان بوده و سیاست سفلی که بیشتر شامل امور اجرایی می شود، در دست نهادهای منتخب دولت بوده است. پس هرگاه ارتش احساس می کرد که دولت از اندیشه های آتاتورک فاصله گرفته، دست به کودتا می زد و حتی مانند کودتای پست مدرن در سال ۱۹۹۷ اخطار اینترنتی تنها کافی بود که به دولت هشدار دهد که از مسیر مدنظر دور شده است. ارتشیان، لیبرال ترین قانون اساسی را در دهه ۶۰ نوشته اند. از قانون اساسی ۱۹۸۲ که گفته می شود قانون اساسی کودتاست، حزب عدالت و توسعه سربرآورده یا اربکان خارج شده است. ولی بعدها در زمان اردوغان تلاش شد تا نظامیان را براساس شاخص های کپنهاگ تابع معیارهای مدنی کند. (اطه‌ری، ۱۳۹۵: ۵۷).

مداخله ارتش در زندگی سیاسی و اجتماعی ترکیه پیشینه دیرینه ای دارد و به روزگار عثمانی باز می گردد. ریشه این پدیده را باید در ساختار دیوانی - نظامی دولت عثمانی جست. همچنین نباید از یاد برد که امپراتوری عثمانی نخستین کشور خاورمیانه بود که در آن مدرسه ها و دانشکده های نظامی به شیوه اروپایی تاسیس شد. دانش آموختگان این دانشکده ها خود از سرآمدان جامعه و پاسدار مام میهن می دانستند. اگر از شورش های پیشامدرن نظامیان عثمانی در سده هجدهم و آغاز سده نوزدهم، بویژه بر ضد سلطان احمد سوم (۱۷۳۰) و سلطان سلیم سوم (۱۸۰۷) بگذریم، شاید بتوان برکناری سلطان عبدالعزیز در سی ام مه ۱۸۷۶ را نخستین کودتای ترکیه خواند. در سحرگاهان آن روز کشتی های جنگی دهانه بسفر را بستند و گروهی از نظامیان به کاخ دلمه باغچه رفتند و سلطان را دستگیر کردند. همزمان گروهی دیگر از نظامیان شاهزاده مراد، ولیعهد را از رختخواب به

بیرون کشیدند و به ساختمان وزارت جنگ بردند و شیخ الاسلام با خواندن خطبه ای او را پادشاه اعلام کرد. این کودتا سرآغاز رویدادهایی بود که به صدور نخستین فرمان مشروطیت عثمانی (۱۸۷۶) منجر شد. (انتخابی، ۱۳۹۵: ۱۸). همچنین با بررسی تاریخ تحولات دولت عثمانی متوجه می شویم که نظامیان نقش پررنگی در این حکومت ایفا کرده اند. در سال پس از روی دادن جنگ جهانی اول، که گفته می شود یکی از اهداف آن تجزیه دولت عثمانی بود، عثمانی ها معاهده ای بنام سور را پذیرفتند و بر اساس آن بخش اعظمی از قلمروشان و حتی چند شهر مهم از جمله استانبول، آدنا و ازمیر را از دست دادند. یعنی می بینیم این معاهده به قدری برای دولت عثمانی ننگین بود که حتی پایتخت خود را نیز از دست داد. در چنین شرایطی بود که نقش نظامیان در قالب جنگهای استقلال بصورت برجسته نمایان شد و افرادی مانند طلعت پاشا، جمال پاشا، انور پاشا و مصطفی کمال آتاتورک نقش زیادی ایفا کردند. این تلاشها باعث شد معاهده لوزان شکل بگیرد و مناطق از دست رفته خود را بازپس بگیرند. پس نظامیان در شکل گیری ترکیه جدید صرفاً بعنوان یک فعال سیاسی که بعداً خود را در قالب فعالیت حزبی نشان دادند، نبودند، آنها منجی کشور بودند چرا که توانستند جغرافیای بزرگ عثمانی را برای ترک ها حفظ کنند. (حضرتی، ۱۳۹۵: ۵۳).

ارتش ترکیه همیشه رابطه نزدیکی با سیاست داشته است. شش نفر از هفت روسای جمهور ترکیه در سالهای ۱۹۲۳ تا ۱۹۸۹ از افسران ارشد بازنشسته ترکیه بودند. تنها استثنا در دوره زمانی ۱۹۵۰-۱۹۶۰ بود که جلال بایار^۵ که در سمت رئیس جمهور خدمت می کرد. این رهبر غیرنظامی نیز در پی وقوع کودتای نظامی برکنار گردید. از اوایل دهه ۱۹۲۰، نظامیان نقشی موثر را در تشکیل دولت مدرن ترکیه ایفا کرده اند. در چهار دهه آخر قرن بیستم، این نظامیان چهار بار (دوبار بطور مستقیم در ۱۹۶۰ و ۱۹۸۰ و دو بار بطور غیر مستقیم در ۱۹۷۱ و ۱۹۹۷) با هدف تغییر دولت مداخله کردند. (Robin, Kirisci, 2003, pp75-76). سردمدار مدرنیزاسیون آمرانه در ترکیه آتاتورک بود و واقعا باعث توسعه این کشور شد اما کودتاهایی که بعداً رخ داد ناشی از کمبودهایی بود که در حوزه سیاسی وجود داشت. مثل رجال سیاسی کم قدرت، کم ظرفیت و بدون برنامه که شرایط را برای وقوع کودتا آماده می کردند و همچنین قانون اساسی که اجازه ورود به حوزه سیاست را به ارتش داده بود. از سال ۱۹۶۱ رهبران نظامی ترکیه با ایجاد شورای امنیت ملی به مداخلات خود رنگ و بوی قانونی دادند. این شورا یک نهاد مشورتی متشکل از مقامات نظامی و غیرنظامی است که به ریاست رئیس جمهور ترکیه تشکیل جلسه می دهد. کارکرد رسمی این نهاد ارائه نظرات و دیدگاههای کارشناسی در حوزه تدوین و اجرای سیاستهای امنیت ملی کشور است اما در عمل نقش آن بسیار برجسته تر است. چرا که تا بحال دیده نشده که اعضای کابینه یا پارلمان ترکیه بطور آشکار به نظرات شورای امنیت ملی در زمینه سیاست خارجی توجه نکرده یا بدان عمل نکرده باشند. با وجود عضویت اعضای غیرنظامی، نظامیان از این نهاد بعنوان ابزاری برای تاثیرگذاری عمومی در زمینه های گوناگون استفاده می کنند. (لطفیان، ۱۳۹۰). در این قسمت پرسشی وجود دارد که آیا کودتا کردن در عصر حاضر سخت شده است؟ در پاسخ به این پرسش باید اشاره کرد که کودتاها به سبک و سیاق کلاسیک قطعاً سخت تر شده است. پنهان سازی اطلاعات و مراحل عملیات کودتا بشدن سخت شده است ولی د عصر جدید نوعی دیگر از کودتاها بنام کودتای سفید شکل گرفته است که خواسته کودتاگران در لباسی مشروع و به دست گروههایی از مردم تحقق می یابد. شرایط کودتای اخیر ترکیه نیز بر این روند استوار بود که منجر به ضد کودتا توسط حزب حاکم و حذف خشن و تمام گرای مخالفان خود از عرصه گردیده است. (مقصودی، ۱۳۹۵: ۳۸).

۷- نقش کودتای نافرجام ۱۵ ژوئیه ۲۰۱۶ و روند دموکراسی خواهی در ترکیه

ترکیه به کشور کودتاها مشهور است. کودتاهایی که عمدتاً توسط ارتش این کشور صورت می گیرد. می گویند یکی از وصایای آتاتورک به ارتش این بود که هر زمان اوضاع کشور را آشفته دیدند و ارکان آن را فاسد تشخیص دادند فوراً کودتا کنند و زمام امور را بدست گیرند و پس از برگرداندن اوضاع به حالت عادی یک دولت غیرنظامی را سر کار آورند و خود از حکومت کنار

⁵ Calal Bayar

بکشند. ارتش ترکیه در مجموع ارتش کمالیستی است و تمام گروه‌های موجود در آن خود را کمالیست می‌دانند. ملی‌گرایی و پایبندی به ارزش‌ها و ۶ اصل شناخته شده کمالیسم (مردم‌گرایی، دولت‌گرایی، اصلاح‌گرایی، ناسیونالیسم، جمهوری خواهی، سکولاریسم) از ویژگی‌های بارز ارتش است. (اطهری، ۱۳۹۵: ۵۸). نظامیان ترک تاکنون چهار بار به این نتیجه رسیده‌اند که باید به این وصیت آتاتورک عمل کنند و بجز این کودتای آخر که اگر آنرا کودتا بدانیم، در همگی موفق بوده‌اند. در باب بودن یا نبودن کودتا اعتقاد نگارنده این است که اردوغان بعد از اختلافاتی که از سال ۲۰۱۰ به بعد نسبت به افراد طرفدار فتح‌الله گولن (رهبر مذهبی ترکیه)، پیدا کرد و نفوذی که گولن‌ها در ارتش، آموزش و پرورش و سیستم‌های قضایی دارند، اردوغان لیست بلندبالایی از افراد مخالف خود در ارتش و دیگر ارگانها تدارک دیده بود. و در کودتای اخیر نیروی زمینی ارتش با کودتاچیان همراهی نکرد، پلیس ژاندارمری هم با دولت حاکم همراه بودند و تنها یک گروه اندک از پیش شکست خورده بودند. و همانطور که اردوغان، کودتا را نعمت خوانده بود پس می‌توان ترجیحا گفت یک ترفندی است که به سود تحکیم قدرت شخصی و اقتدارگرایانه او و حزب عدالت و توسعه تمام شد. اردوغان که سی درصد طرفدار در ترکیه دارد و یا درصدی هم مخالفتی با او ندارند، در این جریان نیز با ورود حامیانش به خیابان و نیامدن مخالفان، ملا یک جبهه پوپولیستی، اطراف او شکل گرفت و روند تسویه مخالفان توسط او ادامه پیدا کرده و به سمت تحکیم و استقرار یک دیکتاتوری فردی به پیش می‌رود. دلیل دیگر بابت اینکه چرا ارتش موفق نشد مثل سابق کودتاها روند را در دست بگیرد تا حدودی می‌توان به سطح بالای دموکراسی خواهی در مردم ترکیه نسبت داد که با توجه به آشوب‌های منطقه‌ای خواهان استقرار حکومتی نظامی نیستند. اما تسویه حساب شخصی وحشتناک حدود ۷۰ هزار نفری در ترکیه بعد از ۱۵ ژوئیه، یک روند خشنی از اداره کشور در دستان یک شخص را ترسیم می‌کند که برای آینده دموکراتیک ترکیه جالب بنظر نمی‌رسد. حتی اخراج ۲۷۴۵ نفر قاضی توسط اردوغان روز بعد از کودتا حکایت از این دارد که شاید این آمار قبلا تهیه شده باشد. عبارت بهتر این کودتا از طرف هرکس و هرگروه باشد، میخی بر تابوت دموکراسی ترکیه کوبید و دموکراسی ترکیه بیست سال به عقب برگشت و همچنین می‌توان گفت شاید میخی بر تابوت نظامی‌گری و نظامیان کوبیده باشد. می‌توان این را اضافه کرد که دموکراسی ترکیه، در کل نوعی دموکراسی نظامی بوده است و این دموکراسی نظامی همیشه این بستر را فراهم کرده که این قشر برای حفظ دموکراسی آماده کودتا باشند. اریک زورخر، یکی از نظریه پردازان ترکیه یکی از فصل‌های کتابش را دموکراسی بیمار نام نهاده است. منظور او از دموکراسی بیمار همین دموکراسی نظامی است. این دموکراسی چون بیمار است همیشه این پتانسیل را دارد که نظامیان در آن ایفای نقش کنند و ساختار سیاسی را تغییر دهند. (حضرتی، ۱۳۹۵: ۵۶).

توماس فریدمن تحلیلگر روزنامه نیویورک تایمز می‌نویسد: اردوغان که از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۴ نخست‌وزیر بود، بعد از مانوری زیرکانه بر کرسی سابق بر آن تشریفاتی رئیس‌جمهور نشست و همه قدرتهای اصلی کشور را به آن مقام منتقل کرد. او می‌افزاید که هر کسی تحولات ترکیه را از نزدیک با دقت دنبال کرده باشد می‌داند که خود اردوغان سالهاست دارد کودتای آرام و خموشی علیه دموکراسی ترکیه به پیش می‌برد. - به زندان انداختن روزنامه نگاران، حمله به رقبا با صورتحساب‌های مالیاتی سنگین، احیای جنگی داخلی علیه کردهای ترکیه برای برانگیختن شور ملی‌گرایی با هدف دستیابی به قدرت بیشتر - و آرام آرام خودش را به یک سلطان مادام‌العمر در روزگار مدرن تبدیل کرده است.

نظامیان ترکیه خود را مدافع نظام سیاسی سکولار و ثبات کشور می‌دانند. گرچه بسیاری معتقدند با تغییراتی که در ۴ سال قبل در قانون اساسی ترکیه بویژه در اصل ۱۵ آن رخ داد و امکان محاکمه کودتاگران را میسر ساخت بنظر می‌رسد دوران تازه‌ای در ترکیه آغاز شده است. و نمونه آن را رد کودتای آخر علیه دولت حزب عدالت و توسعه رجب طیب اردوغان شاهد آن بودیم که دوران افول میراث آتاتورک، یعنی تضعیف ارتش حامی سکولاریسم. (جزینی، ۱۳۹۵: ۵۲). بطور خلاصه تاریخچه کودتاهای صورت گرفته در ترکیه را مرور می‌کنیم: اولین کودتا در سال ۱۹۶۰ میلادی علیه دولت راست‌گرای عدنان مندرس صورت گرفت که دولت را برکنار کرد و قریب ششصد نفر از وزیران و مقامات دولتی را تحت بازداشت و محاکمه قرار داد. این کودتا توسط افسران میان‌رتبه (گروه افسران جوان) انجام شد. این کودتا شاید تنها کودتایی است که مورد استقبال روشنفکران

و دانشجویان قرار گرفت. دلیل آنهم این بود که برای اولین بار حزب اتحاد و ترقی وابسته به آتاتورک در حاشیه بود و همه روشنفکران و دانشجویان خواستار وضعیت *stable* و آرامش در کشور بودند. (حضرتی، ۱۳۹۵: ۵۳). کودتای دوم در سال ۱۹۷۱ و در زمان اوج تنش سیاسی بین ترکیه و یونان بر سر جزیره قبرس صورت گرفت که بار دیگر ارتش ترکیه علیه دولت راستگرای سلیمان دمیرل دست به کودتا زد.

کودتای سوم که بسیار خونین بود در سال ۱۹۸۰ روی داد که از آن بعنوان آخرین کودتای کلاسیک در ترکیه نام می برند. این کودتا در بهانه هایی چون ضعف های سیاسی و اقتصادی دولت ترکیه و نیز نقض اصول سکولار قانون اساسی انجام شد. که ۲۳۰ هزار نفر محاکمه و برای ۷ هزار نفر درخواست اعلام شد که حکم ۵۱۷ نفر تصویب و ۵۰ تای آنها اعدام شدند.

کودتای چهارم که از آن بعنوان کودتای پست مدرن یاد می کند نیز در سال ۱۹۹۷ صورت گرفت. این کودتا یک تفاوت اساسی با کودتاهای پیشین داشت. بر اثر فشاری که از سوی ارتش ترکیه به دولت اسلامگرای نجم الدین اربکان نخست وزیر وقت ترکیه وارد آمد وی مجبور به استعفا شد و انتخاباتی زودرس برگزار شد و حزب اسلامگرای رفاه از سوی دادگاه قانون اساسی ترکیه منحل شد.

در یک بحث کلی می توان دلایل و اهداف نظامیان از کودتاهای چهارگانه در ترکیه را اینطور خلاصه نمود که: در دهه ۶۰ نظامیان احساس کردند که باید علیه فساد موجود در کنار مسائل مربوط به اسلام گرایی که عدنان مندرس به پیش می برد و علیه دیکتاتوری وارد عمل شوند و از این منظر یک قانون اساسی لیبرال را پایه گذاشتند. در دهه هفتاد گروههای چپ و راست و ملی گرا و غیرگرا یکدیگر را در خیابان ها می کشتند و در کودتای ۱۹۸۲ عمدتاً مسئله انقلاب ایران موجب دخالت نظامیان شد. در سال ۱۹۹۷ گمان می کردند که اسلام گرایی تهدیدی برای امنیت ملی ترکیه است و از این جهت وارد صحنه شدند. در سال ۲۰۰۷ متوجه شدند که حزب عدالت و توسعه یک برنامه پنهانی اسلامی کردن برای ترکیه دارد و در ۲۰۱۰ یک اخطار اینترنتی صادر کردند. (اطهری، ۱۳۹۵: ۵۸).

اما در پنجمین تلاش برای کودتای مشکوک در ۱۵ ژوئیه ۲۰۱۶ که شواهد حکایت از شکست ارتش داشت، شاید مسبب آنرا اقتدارگرایی رجب طیب اردوغان بحساب آورد. گرچه در ایران تحت تاثیر ادبیات چپ، اقتدار و اقتدارگرایی را همان دیکتاتوری و توتالیتریانیسم می دانند در حالی که اقتدار چیزی جز قدرت قانونی و مشروع نیست و اقتدارگرا کسی است که در راه اعمال قدرت قانونی و مشروع تردید به خود راه نمی دهد. اردوغان که با بیش از ۱۵ سال کار اجرایی و حزبی اقتدار نهاد دولت را در ترکیه احیاء کرده است تا جایی که برای اولین بار ارتش در ذیل آن قرار گرفته است و هرکس که بخواد جلوی کودتا را بگیرد باید چنین کند: حاکمیت از آن دولت است و اقتدار دولت هرگز نباید مخدوش شود. دولتی که اقتدار نداشته باشد دولت نیست، شبه دولت است. در باب اقدام و واکنش او نسبت به کودتای صورت گرفته در ترکیه را شاید بتوان از سخنان ماکیاولی الهام گرفت که می گفت: ((از این دو حال کدامین بهتر است: بهتر آنست که مردم بیش دوستان بدارند تا از ما بترسند یا آنکه بیش بترسند تا دوستان بدارند)) و پاسخ ماکیاولی درخشان است: ((پاسخ این است که هر دو. اما از آنجا که هر دو حال با هم دشوار است. باید یک را برگزید و آن هم این است که بیش از ما بترسند تا دوستان بدارند.)) اینک باید این پرسش را درباره اردوغان پرسید که به طبع، او دوست دارد مردم از او بیشتر بترسند تا دوستش بدارند. (قوچانی، ۱۳۹۵: ۸). برنده اصلی کودتای ۲۰۱۶ رجب طیب اردوغان است که خود او به صراحت گفت: ((این کودتا برای ما نعمت بود.)) موردی که در باب کودتای ۱۵ ژوئیه می توان به آن اشاره داشت، این است که کودتاهای گذشته که توانسته بود موفقیت خود را در عرصه سیاست به ثبت برساند به دلیل این بود که جامعه توده ای در تاریخ ترکیه از جامعه مدنی برجسته تر بود که فرصت موج سواری بیشتری به نظامیان برای تغییر سریع حکومت می داد. اما به ترتیب و روز به روز که ترکیه سیر توسعه یا بهتر بگوییم رشد را سپری کرد، جامعه مدنی نیز دوشادوش این رشد اقتصادی بسیط و گسترده شد. اما علت های کوتاه مدت نافرجام ماندن کودتای ۱۵ ژوئیه را نیز در موارد زیر می توان مورد بررسی قرار داد،

۱. هر تغییر سیاسی چه به صورت کودتا و چه انقلاب داشتن رهبر را برای خود ملزم می‌داند؛ رهبر با بازی کردن نقش بالانسر و تکوین در کودتا مهمترین عامل موفقیت یک کودتا است که کودتای نافرجام ۱۵-۱۶ ژوئیه بدون داشتن رهبری مشخص و قابل شناسایی اولین فاکتور شکست کودتا را ایجاد کرد. ۲. اما دومین موردی که می‌توان از آن به عنوان علت کوتاه مدت شکست کودتا یاد کرد، نقش بسیج مردمی توسط نهادهای مدنی ترکیه است که با فراخوان خود حضور سیل گونه مردم را در خیابان‌ها بر علیه کودتا سبب گشت. ۳. علت دیگری که به نظر اینجانب در تسریع شکست کودتا بسیار حائز اهمیت بود، عدم حمایت کشور های خارجی از کودتا و کودتاچیان بود، هیچ کشوری نه در محیط پیرامونی منطقه ی ژئواستراتژیک خاورمیانه و نه در سایر مناطق دیگر جهان از کودتا حمایت نکردند؛ و این خود به عنوان ضربه آخر بر پیکره ی بی جان کودتا بود که یارای مقاومت بیش از یک روز را نداشت.

در ۱۵ ژوئیه بر خلاف چهار کودتای گذشته در ترکیه، با شکل گیری جنبش گولن از طریق حزب آک پارتی که در سال ۲۰۰۲ بعنوان حزبی اسلام گرا و دست راستی قدرت را بدست گرفت را می‌توان دلیل اصلی شروع نزاع بین اردوغان و فتح الله گولن و طرفدارانش گردید. بعد از آشکار شدن شکاف بین این دو و اینکه جنبش گولن ها از ۳۰ سال قبل به تربیت افراد متعهد و وفادار خود پرداخته بود و در تمام ارگانهای سیاسی، نظامی و مذهبی ترکیه گنجانده شده بودند، وقتی این نزاع علنی شد، در این شرایط اردوغان بدنبال بهانه و دستاویزی بوده است تا بتوانند یکجا از شر نیروهای حامی گولن خلاص شود. بهترین راه همین شبه کودتای ۱۵ ژوئیه بود. اردوغان بعد از آن دست به تصفیه افراد وابسته به گولن زد تا همه را از میدان به در کند. عبارتی دیگر زیاده خواهی ها و سیاستهای غلط منطقه ای اردوغان، حمایت جنبش اسلام گرا را از او گرفت و باعث شد از او دور شوند و به همین دلیل او نوک کودتا را متوجه گولن کرد تا از این طریق آنها را از صحنه سیاسی، مذهبی و نظامی ترکیه پاک نماید. بعد از حوادث اخیر جدا از طرفداران جنبش گولن، نهادهای مدنی، نشریات و فعالین سیاسی گرد در معرض فشار گسترده ای قرار گرفته اند. وزارت آموزش و پرورش ترکیه اخیرا ۱۱۲۸۵ معلم در مناطق کردنشین در حمایت از پ.ک.ک (حزب کارگران کردستان)، از کار تعلیق کرده است. بر اساس آمارهای خود ترکیه ۲۴۶ نفر کشته، حدود ۲۰۰۰ نفر زخمی شدند. (Ward, 2016). بعدا نیز حکومت ترکیه به برکناری بیش از ۴۰ هزار نفر از پست هایشان اقدام کرده است. جدای از استعفای اجباری روسای دانشگاه ها، سیستم قضایی بطور خاص ضربه سختی متحمل شده است (اشرف نظری، سلیمی، ۱۳۹۵: ۱۵). و در کل یک تسویه حساب سنگین صورت گرفته که خود جامعه مدنی و آزادی را نشانه گرفته است. بر اساس گزارش خانه آزادی^۶ در سال ۲۰۱۴ در زمینه آزادی مطبوعات و بیان، ترکیه از کشوری نیمه آزاد به جرگه ی کشورهای غیرآزاد پیوسته است. همچنین وضعیت آزادی رسانه در سال ۲۰۱۵ هشداردهنده دانسته است و ابراز داشته که حکومت تحت کنترل اردوغان و حزب عدالت و توسعه، به شکل فزاینده ای از قوانین مدنی، قانون جزای افترا با خشونت مواجه بوده اند. (اشرف نظری، سلیمی، ۱۳۹۵: ۱۳). و در تحلیل واپسین باید اشاره نمود که علی رغم اکثر تحلیل ها مبنی بر اینکه کودتای اخیر ترکیه بر علیه دموکراسی بوده است، باید تاکید کرد که اگر روند دموکراسی در سالهای اخیر توسط حزب حاکم ترکیه عمیق بود، امکان نداشت بر علیه آن مواضع دموکراتیک وارد عمل شد. پس روند حکومت در کشور کودتاها حکایت از یکطرفه و اقتدارگرا شدن قدرت توسط اردوغان بود.

۸- بحث و نتیجه گیری

ترکیه که به کشور کودتاها مشهور است به دلایل واقعیت‌های تاریخی و جنگ‌ها، تهدیدات خارجی، استبداد حکام عثمانی، شرایط سیاسی و تفکرات آتاتورک و ویژگی‌های جغرافیایی، امنیت آن در سایه حضور نظامیان تعریف شده است. در دوران امپراتوری عثمانی تمام کسانی که مسئول حفظ و توسعه امپراتوری و برقراری نظم و امنیت بودند و همچنین آنانی که بهره‌برداری کامل از منابع ثروت را برای امپراتوری تضمین می‌کردند و از سازمان حکومتی و سایر فعالیت‌های نظام حمایت

⁶ Freedom House

می‌کردند همه تحت عنوان سیفیه یا مردان شمشیر در نهاد نظامی طبقه حاکم گرد آمده بودند و از همان موقع نظامیان دارای نقشی مهم و تعیین کننده داشته‌اند. اما در سال ۱۹۲۲، که ترک‌های جوان به رهبری آتاتورک قدرت را در دست گرفتند، نفوذ نظامیان در تحولات اجتماعی و فرهنگی ترکیه ریشه‌دار شده و با هدف مدرنیزاسیون و نجات کشور از مشکلات موجود، ارکان امنیتی جامعه ترک آن روز را تحت تأثیر قرار دادند. برقراری نظام سکولار غیردینی و کنش‌های ناسیونالیستی، ترک‌گرایی و دور شدن از ارزش‌ها و فرهنگی‌های دینی و قومی از نتایج این تحولات به شمار می‌رود. در دوران اخیر، متاثر از اندیشه‌ها و تفکرات شخص آتاتورک، ارتش در ترکیه برای خود نقش و جایگاهی مهم و تعیین کننده در قالب قانون اساسی قائل شد و توانسته است از دهه ۱۹۶۰ چهار کودتا را با موفقیت بر علیه دولت‌های وقت به انجام برساند. و در هر مورد هم با بهانه خارج شدن آن دولت از اهداف و آرمان‌های اصیل آتاتورکی بوده است. ولی در اتفاقات و کودتای نافرجام ۱۵ ژوئیه ۲۰۱۶ که نمی‌توان نام کودتا را بر آن نهاد، نیز نارضایتی گروهی از ارتشیان از سیاست‌های حزب اسلام‌گرای عدالت و توسعه رجب طیب اردوغان مشهود بود. اما شخص اردوغان قبلاً با محدود کردن نقش نظامیان در قانون اساسی، این شبهه را در اذهان ایجاد نموده بود که نظامیان بدنبال کودتا علیه دولت او هستند. چه این اتفاقات را کودتا بدانیم چه یک شوی خیابانی، اما به سود حزب حاکم و تحکیم قدرتش تمام شد. در یک نتیجه‌گیری کلی باید گفت تسویه حساب شخصی اردوغان با هزاران نفر از اساتید، قضات، نظامیان و ... بلافاصله بعد از آن حوادث، خود بهانه لازمی بوده و شرایطی از قبل مهیا شده‌ای بود که به راحتی توانست آنها را از صحنه خارج نماید. تسویه حساب با این گروه‌ها که وابستگی زیادی به رهبر مذهبی در تبعید ترکیه فتح‌الله گولن داشتند، خود بهترین بهانه دست اردغان برای خارج کردن آنها از گردونه سیاسی، نظامی و مذهبی ترکیه را فراهم نمود. و اینکه نحوه برخورد دولت با گروه‌های مخالف، میخی بر تابوت دموکراسی خواهی و روند دموکراتیک ترکیه کوبید و ادامه یافتن این رویه در آینده‌ای نه چندان دور بدلیل بحرانها و شرایط بد منطقه‌ای و ناامنی‌های خاورمیانه و شورش‌های گروه‌های قومی نژادی ترکیه، شاهد موجی از مخالفت‌ها بر علیه دولت اقتدارگرای رجب طیب اردوغان خواهیم بود و مسیر عضویت در اتحادیه اروپا که آسان تر شده بود، سخت خواهد شد.

منابع

۱. آزموده، محسن، ۱۳۹۵، روزنامه اعتماد، شماره ۳۶۰۲، بیست و هفتم مرداد، صفحه ۸
۲. اشرف نظری، علی، سلیمی، برهان، ۱۳۹۵، حکم رانی حزب عدالت و توسعه و آینده شکاف‌های اجتماعی در ترکیه، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال نوزدهم، شماره سوم.
۳. اطهری، اسدالله، ۱۳۹۵، نشریه صدا، دوره جدید، شماره ۹۳، ۲۳ مرداد ماه.
۴. انتخابی، نادر، ۱۳۹۵، اندیشه پویا، سال پنجم، شماره پنجم و ششم، مرداد ۹۵.
۵. امین صارمی، نوذر، ۱۳۸۲، ارتش سیاست و امنیت در ترکیه، مجله دانش انتظامی، شماره ۱۶.
۶. ازغندی، علیرضا، ۱۳۷۴، ارتش و سیاست، تهران: نشر قومس.
۷. ابکینزی، جان، ۱۳۸۲، سودای بلند پروازانه آمریکا، فصلنامه راهبرد، شماره ۲۸.
۸. بشیریه، حسین، ۱۳۹۳، جامعه‌شناسی سیاسی نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی، چاپ بیست و سوم، تهران: نی
۹. بصیری، محمدعلی، موسوی، سید فاضل، ۱۳۸۹، نقش و تاثیر عوامل داخلی ترکیه در پیوستن آن کشور به اتحادیه اروپا، تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، سال دوم، شماره دوم.
۱۰. بروف، رایان دوکس، ۱۳۷۶، نظریه‌های توسعه نیافتگی، ترجمه علی هاشمی گیلانی، تهران: انتشارات صغیر.
۱۱. باتامور، تی.بی، ۱۳۶۹، نخبگان و جامعه، ترجمه علیرضا طیب، تهران: انتشارات دانشگاه تهران
۱۲. بوکت، اوزونر، ۱۳۸۴، رویای ۸۰۰ ساله اروپایی شدن: تاملی در باره عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا، ترجمه آیدین فرنگی، انتشارات شرق.

۱۳. ترکیه و نقش ارتش در سیاست، ۱۳۹۵، شناسه خبر ۱۹۲۱۰۸، www.tehrannews.ir
۱۴. جزینی، مهسا، ۱۳۹۵، نشریه صدا، دوره جدید، شماره ۹۳، ۲۳ مرداد ماه.
۱۵. حضرتی، حسن، ۱۳۹۵، نشریه صدا، دوره جدید، شماره ۹۳، ۲۳ مرداد ماه.
۱۶. دهشیار، حسین، ۱۳۹۵، خاورمیانه ای شدن ترکیه، نشریه صدا، شماره ۹۰، دوره جدید، دو مرداد ماه.
۱۷. دهشیری، محمدرضا، ۱۳۹۵، قداست کودتا، ماهنامه مهرنامه، سال هفتم، آبان ماه.
۱۸. سمیعی اصفهانی، علیرضا، خداپرست، یونس، ۱۳۸۹، حکومت شخصی و کودتای نظامی در ایران معاصر: بررسی مقایسه ای کودتاهای ۱۳۳۲، ۱۲۹۹ و ۱۳۵۹ شمسی، فصلنامه مطالعات سیاسی، شماره ۱۰.
۱۹. سیف زاده، حسین، ۱۳۹۵، حکومت سرهنگ ها، ماهنامه مهرنامه، سال هفتم، آبان ماه.
۲۰. شمس، عاطفه، ۱۳۹۵، مصاحبه با دکتر احمد نقیب زاده، روزنامه اعتماد، شماره ۳۶۰۲، بیست و هفتم مرداد، صفحه ۹
۲۱. شاو، جی، ۱۳۷۰، تاریخ امپراتوری عثمانی و ترکیه جدید، ترجمه محمود رمضان زاده، انتشارات آستان قدس رضوی.
۲۲. عابدی گناباد، رضا، ۱۳۸۹، دلایل عدم الحاق ترکیه به اتحادیه اروپا، مجله آفاق امنیت، شماره ۷.
۲۳. گنجی، اکبر، ۱۳۸۴، تلقی فاشیستی از دین و حکومت، چاپ یازدهم، تهران: انتشارات طرح نو.
۲۴. قوچانی، محمد، ۱۳۹۵، نشریه صدا، دوره جدید، شماره ۹۳، ۲۳ مرداد ماه.
۲۵. لطفیان، سعیده، ۱۳۹۰، خیر شر، مداخله نظامیان در سیاست خاورمیانه، مجله مهرنامه، شماره ۱۲.
۲۶. محمدی، منوچهر، ۱۳۸۶، آینده نظام بین الملل و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
۲۷. مقصودی، مجتبی، ۱۳۹۵، کودتای سفید، ماهنامه مهرنامه، سال هفتم، آبان ماه.
۲۸. آواعظی، محمود، ۱۳۸۷، تجربه جدید در ترکیه، تقابل گفتمان ها، نشریه راهبرد، شماره ۴۷.
۲۹. هرسیچ، حسین، ۱۳۸۰، مداخله نظامیان در سیاست، جامعه شناسی کاربردی، شماره ۱۲.
۳۰. هانتینگتون، ساموئل، ۱۳۷۰، سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علم

۳۱. یومیت، ایزر، امیرشاه کرمی، مریم السادات، ۱۳۸۴، ترکیه، اسطوره زدایی از مفهوم امنیت ملی، نشریه راهبرد، شماره ۳۷

32. Albright, David, 1967, comparative conceptualization of civil-military relations, world politics, vol 32.
33. Andreski, Stanislaw, 1968, Military Organization and society, Berkeley ca: university of California press, 2 Edition.
34. Rubin, Barry and Kirisci, Kemal, 2003, Turkey in World Politics: An emerging Multi-Regional power. Boulder, cd: Lynne Rienner Publishers.
35. Finer, S.E., 1962, Third World Politics: A Comparative introduction 2.ed. London: Macmillan press ltd.
36. Hurewitz, J.C., 1969, Middle east Politics: The military Dimension, New York: Praeger.
37. Huntington, S.P., 1968, Political order in changing societies, New Haven and London: Yale University press.
38. Janowitz, M., 1977, Military Institutions and coercion in the Developing nations, university of Chicago press.
39. Sullivan, M.J., 1991, measuring Global values: the Ranking of 162 Countries. New York: Greenwood press
40. S.E. Finer, 1962, The man on horseback: The Role of the military in Politics (London, Pall Mall press).

41. ozcan,gencer,2001,the Turkish foreign policymaking process and the influence of the military,in
42. Ward, Benjamin,2016,The government response to turkey,s coup is an Affront to democracy, [https://: www.hrw.org/news/2016/08/03/gowenment response -turkeys-coup-affront-democracy](https://www.hrw.org/news/2016/08/03/gowenment_response_-_turkeys-coup-affront-democracy).

Foundations of Military Power in Turkey

Alimohammad Haghghi, Pirouz Hashempour

Assistant Professor of Political Science, Azad University, Lamerd, Iran

PhD Student in Political Science, Azad University, Lamerd, Iran

Abstract

The most important topics of political sociology role of the military in politics is one of the organized social groups. In the meantime Turkey as heir to the Ottoman Empire experienced several coups of the twentieth century from countries that its history has been marked by the presence of direct and indirect influence of the military on politics and the country is known for coups. In this cross-sectional study using library and internet research and practice answers to this question are How the military in Turkish politics have a role? In response to questions given by the theories of Samuel Huntington and Lucian Pye research and military intervention in the politics of developing countries, In addition to issues such as the role of the Turkish military history of the republic, structural weaknesses and other institutions, except military and mutually ability to organize And the role the army played after the Republic in line with the modernization of the country can be named. The military in modern Turkey after the 1920s by the military leader Atatürk's views on the role of the military in politics The constitution as a defender of secular political system and the defense of Atatürk's legacy, and other factors such as political and legal independence army, Crisis and war of independence against the government and the armed Kurds, Islamists and the government's efforts to deal with them as he can be. But the coup d'etat, July fifteenth street to show the settling of personal scores with opponents like the AKP government In addition to linking it with the religious movement Gvlvnyism, reflecting the mobility of marginalized and disadvantaged groups in Turkey have been bipolarity And a violent process of governing the country in the hands of one person draws that led to the nail in the coffin banging of militarism in Turkey and the Turkish people's democratic process.

Keywords: Turkey, military coup, Politics
